

### متن پرسش

سلام علیکم: شهید آوینی در مقاله رمان، سینما و تلویزیون این چنین می گویند: «رمان نویسی را هرگز نمی توان با اسطوره پردازی و یا حتی قصه پردازی بشر در گذشته ها قیاس کرد؛ رمان ماهیتاً پدیداری متمایز از اسطوره و یا قصه های کهن است. خودبنیادی یا سوژکتیویسم یکی از خصوصیات است که رمان را از اسطوره و یا قصه های کهن متمایز می دارد و این تفاوت، عرضی کوچکی نیست؛ یک تمایز جوهری ذاتی است.» لکن بنده هر چه در مسئله تفاوت بین رمان نویسی با داستان نویسی که در گذشته رایج بوده فکر کردم به پاسخ موجهی نرسیدم، لطفاً برای فهم منظور ایشان راهنمایی فرمائید. با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این یک بحث مفصل است. به این صورت که در یونان قدیم از طریق تراژدی و در فرهنگ ما از طریق داستان هایی مثل داستان های کلیله و دمنه اشاره به واقعیات نمادین می شد و باطن واقعیات را که با بصیرت باید می دیدیم نه با بصر، در میان می گذاشتند. ولی اکثر رمان های جدید □ نه رمانی مثل رمان بینوایان و ویکتور هوگو - بیشتر، خیال پردازی است. و در فرهنگی که به هیچ حقیقتی اشاره ندارد به میان آمده است و به یک معنا زندگی در فرهنگ سوژکتیویته را مطرح می کند. موفق باشید